

نقش درخت زندگی در فرش‌های ترکمنی

(با تأکید بر نقوش درخت در فرهنگ اسلامی و تمدن‌های باستانی)

جمال‌الدین توماچ نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمود طاووسی

استاد و مدیر گروه رشته پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس



فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهار و پنج
پاییز و زمستان ۱۳۸۵



چکیده

نقوش موجود در فرشها و دستبافته‌های ترکمنی، برای بررسی این فرض که می‌توان نام درخت زندگی را به این نقوش اطلاق کرد. مقایسه‌های انجام شده حاکی از تشابه طرحهای درخت و درخت زندگی در فرشهای ترکمنی با طرحهای اسلامی و باستانی است.

کلید واژه‌گان

درخت زندگی، فرشهای ترکمنی، جانماز، انسی، نمازلیق. در اسلام درخت زندگی را سدره یا طوبی می‌خوانند. در اذهان پیروان دین اسلام این درخت در بهشت می‌روید، پس موضوعی است مناسب جهت خلاقیت‌های هنری در اصطلاح ترکمنی درخت زندگی را «یاشایش باغ» می‌خوانند. در این جستار سعی در بررسی نماد درخت و درخت زندگی است با رویکرد به اشکال درخت زندگی در تمدنهای باستانی و مقایسه این اشکال با

■ مقدمه

فرشهای ترکمن به دلیل خصوصیات استثنائی خود در طرح و رنگ از جمله فرشهایی هستند که مورد توجه پژوهشگران جهان قرار گرفته‌اند. این فرشها به دلیل جذابیت طرحهای تکرار شونده و ساده و ترکیب و طیف غنی و فوق العاده رنگی شان سزاوار این شهرت جهانی هستند.

نقوش فرش ترکمن هندسی و برگرفته از طبیعت اطراف این قوم و باورها و اعتقاداتی است که آنها در فرهنگ کوچ نشینی خویش داشته و در مواردی از همسایگان خویش وام گرفته‌اند؛ بنابراین انتزاع و نمادگرایی کاملاً در آنها مشهود است. نمادگرایی و رمزپردازی از مفاهیمی است که امروزه نظر پژوهشگران زیادی را به خود جلب نموده است. در یک تعریف ساده، نماد چیزی است که به جای چیز دیگر به کار می‌رود و نشانه آن است و بر آن دلالت دارد. (هال، ۱۳۸۰، ۵) انسان بر اساس طبیعت خود، نمادهای گوناگونی آفریده است، این نمادها در هنر در سطوح مختلف و بر طبق اعتقادات و رسوم اجتماعی که الهام بخش هنرمند است، عمل می‌کنند.

شاید اولین نمادها، نمادهایی باشند که بر اساس پرستش و تقدیس طبیعت خلق شده‌اند. اعتقاد بر این است که اولین نمادها با زایش اولین اسطوره‌ها به وجود آمده‌اند. (کیتسی، ۱۳۷۸، ۱۸)

انسان در سیر دوران زندگی خویش ابتدا تحت تأثیر قدرت و نیروی پر رمز و راز برخی حیوانات شروع به پرداختن اسطوره‌ها و نمادهای مربوط بدانها می‌کند، سپس متوجه زمین حاصلخیز و رشد و نمو گیاهان شده

و در آخر کانون توجهش به آسمان‌ها و افلاک معطوف می‌شود و اسطوره‌ها و نمادهای گوناگونی برای این مظاهر طبیعت می‌آفریند.

اقوام ترکمن که کوچ نشین بوده‌اند، با توجه کردن به مظاهر طبیعت و باورها و اعتقادات خویش، بر روی فرشها و بافته‌های خود به هنر نمایی پرداخته‌اند و بسیاری از نمادهای موجود در زندگی خود را وارد این آثار نموده‌اند. در بررسی نقوش فرشهای ترکمنی شاید نتوان با قطعیت به معنا و محتوای خاص آنها پی برد چرا که گاه پیچیدگی انتزاعی نقوش و کمبود اطلاعات در مورد آنها این کار را با مشکل مواجه می‌کند.

در این مقاله با مقایسه‌های انجام شده در مورد نمونه نقشهای موجود در فرشهای ترکمنی با نقوش باستانی، و با توجه به برخی فرضیات و شواهد، دیدگاهی در مورد وجود نماد "درخت زندگی" در فرشهای ترکمنی و تأثیر جهان بینی اسلامی بر روی آن ارائه خواهد شد.

■ درخت

اعتقاد به وجود روح در برخی درختان و گیاهان باوری است دیرپا و مربوط به پیش از تاریخ. درخت از کهن‌ترین نمادهای بشر است. جی سی کوپر درخت را «کل عالم عین؛ ترکیب آسمان و زمین و آب؛ زندگی پویا در تقابل با سنگ که حیات ساکن است» معرفی نموده (کوپر، ۱۳۷۹، ۲۱۵) همچنین «درخت را بسیاری از اقوام باستانی به عنوان جایگاه خدا یا در واقع، خود خدا می‌پرستیدند. و نماد کیهان و منبع باروری و نماد دانش و حیات جاودانی بود». (هال، ۱۳۸۰، ۱۲۴) از مفاهیم موجود در

مورد نماد درخت همچنین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

درخت همیشه سبز مظهر زندگی ابدی، روح نامیرا و بی‌مرگی است. درخت برگ ریز نمایان‌گر دنیا است که در حال تجدید حیات و باززایی مداوم، از مرگ به زندگی می‌رسد. همچنین این درخت نهاد رستاخیز و بازآفرینی و اصل حیات است. هر دو درخت نماد کثرت در وحدت هستند، چند شاخ از یک ریشه می‌روید و دوباره به صورت هسته میوه در هر شاخه به وحدت می‌رسند.

■ درخت در تمدن‌های باستانی

بین‌النهرین و ایران

برای درک بهتر مفاهیم نماد درخت و تأثیر این مفاهیم در فرهنگها و تمدنهای گوناگون در این مبحث اشاره



تصویر ۱

مختصری به مفهوم این نماد در تمدنهای باستانی خواهیم کرد.

در بابل درخت زندگی «آ» نامیده می‌شد: پدر خدایان. این درخت در «اریدو» می‌روید و همچنین «یوکانو» نیز نام داشت. کسی که از میوه آن می‌خورد به عمر جاودان دست می‌یافت. تصویر درختی که در دو سوی آن یک جفت جانور، نیمه خدا یا نقش انسان باشد، در هنر بین‌النهرین وجود دارد. (هال، ۱۳۸۰، ۱۲۴) از این نوع تصاویر، دوگونه عمده یافت شده است: درختی که در دو سوی آن، جانورانی وجود دارند که در مقابل هم ایستاده‌اند؛ یا در دو سوی آن، نقشهای انسانی (یا نیمه انسانی) به چشم می‌خورد و آنان، ظاهراً، مراسمی جهت باروری انجام می‌دهند. (تصویر ۱)

در تمدن سومری و سامی، درخت حیات نماد نوسازی



کیهانی و هفت شاخه آن هفت سیاره و هفت آسمان است. درخت حیات بابلی که در عالم می چرخد شاخه‌هایی از لاجورد دارد و میوه‌ای شگفت‌انگیز می‌دهد.

در تمدن ایران زمین، در آیین زروانی درخت زندگی «هئوم» (هئوما) نام دارد و از میوه آن برای تغذیه ارواح بهشتیان در فردوس استفاده می‌شود. بسیار مشابه این درخت (هوم) را با نام «سوما» در ودای هندویی مشاهده می‌کنیم.

در ایران نخستین نمونه‌های گیاهی روی سفالها، مهر و سنگها یافت می‌شود. در داستان آفرینش نخستین پدر و مادر بشر، مشی و مشیانه (نخستین زوج بشر) از نطفه کیومرث که در زمین ریخته بود، بیرون آمدند. آنها نخست به شکل گیاهی پیوسته به هم روییدند به طوری که نمی‌شد تشخیص داد که کدام مرد و کدام زن بود. این دو با هم درختی را تشکیل می‌دادند که حاصل آن ده نژاد بشر بود. (فربود، ۱۳۸۳، ۴۳)

درخت، هم به جهت پیوند میان زمین و آسمان و هم از جنبه زندگی بخش بودن و باروری تقدیس می‌شود. درخت زندگی که معمولاً در تصاویر و نقوش میان دو راهب یا دو کاهن یا دو جانور (شیردال، بز وحشی، شیر و...) قرار دارد که نگاهبانش به شمار می‌روند. رمز نیروی مقدس و بیمناک است. برای چیدن میوه‌های این درخت که از آن اکسیر ملکوتی طول عمر یا جاودانگی به دست می‌آید، باید با هیولای نگاهبانش در آویخت. هرکه در این نبرد پیروز شود، به مرتبه‌ای فوق انسانی ارتقا می‌یابد، یعنی نامیرا و بی‌مرگ می‌شود. (فربود،

۱۳۸۳، ۴۳) مونیک دویوکر، به نقل از گوبله آلیولایی در کتاب «کوچ نمادها» از تبدیل درخت زندگی در بین انهرین به گیاه مقدس در ایران یاد می‌کند. (فربود، ۱۳۸۳، ۵۲)

■ درخت در فرهنگ اسلامی

در فرهنگ اسلامی درخت مظهر رحمت الهی و روحانی است، نور الله که زمین را منور می‌سازد. همانند درخت زیتون که هم روزی ده است و هم چراغ: «الله نور السموات و الارض مثل کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة کانها کوكب دری» (سوره نور: ۳۵) از درخت آسمانی، طوبا یا سدره، در مرکز بهشت چهار رودخانه آب، شیر، عسل، شراب جریان می‌یابد. (Lechler, 1968,

قرآن مجید که الهام‌بخش اندیشمندان و هنرمندان است، بارها و بارها از واژه درخت و انواع مختلف آن مانند طوبی، خرما، زیتون، انار، انجیر و... یاد کرده و معانی عمیق و باارزشی را به صورت نمادین به کمک آن بازگو نموده است. تعبیر درخت در قرآن بسیار متنوع است؛ مثلاً در سوره یس در بحث بسیار مهم آفرینش و حیات بازپسین، خداوند از پدید آمدن آتش از درخت سبز به عنوان پدیده‌ای شگفت‌آور و عبرت‌آموز نقل می‌کند. (فربود، ۱۳۸۳، ۴۹) می‌توان گفت که والاترین درخت در قرآن، درخت سدره المنتهی یا درخت طوبی است که در بهشت جای دارد. شایان ذکر است نماد و مفهوم درخت در کلام الهی، صورتی جهانی نیز دارد که به لحاظ جایگاه و قداست در مقابل درخت طوبی است. این

درخت «زقوم» نام دارد و در جهنم می‌روید.

■ مفهوم نمادین درخت نزد اقوام ترک و ترکمن

اقوام ترک اقوامی بیابانگرد بوده‌اند که در طی قرون متمادی با مهاجرت‌های عظیمی که به طرف خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا داشته‌اند، باعث تحولات بزرگی در این نواحی شده‌اند. این اقوام کوچ نشین به علت مجاورت با فرهنگ‌های غنی همسایگان متمدن خویش بسیاری از نمادها را از ایشان به عاریت گرفته‌اند. این اقوام بسیاری از نمادها و نقش‌ها را روی بافته‌ها و فرش‌ها می‌بافند، چرا که آنان به دلیل زندگی کوچ نشینی هیچ‌گاه نمی‌توانستند دست به خلق هنرهای ماندگاری چون معماری و مجسمه سازی بزنند. در جوامع سنتی فرش‌ها همانند دیگر آثار هنری تنها جنبه کاربردی نداشته بلکه محل ذخیره و ناقل اطلاعاتی در مورد جهان بینی اقوام آفریننده شان بوده‌اند (Serkina, 1999, p1)

ترکمن‌های کوچ نشین از اعقاب ترکان اوغوز بوده‌اند که با ایمان آوردن به اسلام به «ترک ایمان» یا «ترکمان» معروف گشتند. طوایف ترکمن قبل از اسلام پیرو آیین شمنی بوده‌اند و به «تانگری» (تانری، تاری) (خدای آسمان) اعتقاد داشته‌اند. (گلی، ۱۳۶۶، ۲۶۳) ترکمنها ظواهر و عناصر طبیعت را محترم می‌شمرده‌اند و برای هر کدام از این عناصر قایل به خدایی بوده‌اند. هنوز هم در میان ترکمنان برای خاموش کردن آتش به طور مستقیم از آب استفاده نمی‌شود. (گلی، ۱۳۶۶، ۲۶۳) وجود سبزی، گیاه و درخت برای ترکمنان نعمتی بوده که در صحراهای خشک و بی آب مناطق زندگی آنها کمتر یافت می‌شد. به همین دلیل آنها تک درختی را که در

زمینی خشک برپا ایستاده بود، تقدیس می‌کرده‌اند.

در روستای «یانقاق» واقع در شمال شرقی گنبد کاووس دو درخت کهنسال وجود دارد که به اعتقاد اهالی این محل مقدس‌اند و حتی اهالی منطقه بر این باورند که بیمارانی از این درختان شفا گرفته‌اند. به گفته اهالی این محل سالیان گذشته مراسم دعای باران زیر این درختان انجام می‌شده. اهالی روستا هنگامی که شاخه‌ای از این درختان بر روی زمین می‌افتد به آن دست نمی‌زنند تا شاخه خود پوسیده و از بین برود. (تصویر ۲)



تصویر ۲

در فرش‌ها و قالیهای ترکمنان و ترکان نقش «باشایش باغ» وجود دارد که به معنی درخت زندگی است. این نقش در میان ترکمنها به نام «قوشلی باغ» به معنی «درخت دارای پرنده» و یا «قوجوم» معروف است. (تصاویر ۹ الف و ب) ترکمنان شمال ایران آسیب رساندن و کندن درختان و گیاهانی را که مجاور زیارتگاه مقدسی روییده، کاری ناپسند می‌شمرند. مردم ترکمن این مناطق از گیاهان و درختانی که در چنین اماکنی می‌رویند، تکه‌ای چوب خشک جدا می‌کنند و به شکل خاصی آن را تراش داده و



برای دفع شر و چشم زخم به گردن نوزادان و کودکان خود می اندازند یا آن را به میچ دستشان می بندند. این چوب متبرک در اصطلاح « داغدان آغاچ » نام دارد. گیاهان و درختانی که بر کوه ها می رویند، نزد ترکمنان اهمیت خاصی دارند. به همین علت غالباً داغدان آغاچ را از این درختان تهیه می کنند. در زبان ترکمنی « داغ » به معنی کوه و « داغدان آغاچ » به معنی « چوبی که از کوه گرفته شده » است.

این فضلان از چوبی تراشیده نزد ترکان « باشگرد » سخن می گوید که هر فردی به گردن خود می آویخته و در هنگام سفر و مواجهه با دشمن آن را می بوسیده و بر آن سجده می گزارده است. (گلی، ۱۳۶۶، ۲۶۶) در این مناطق زنان بدون فرزند و دختران دم بخت و حاجتمندان به درخت یا بوته نزدیک یک مزار مقدس دخیل می بندند و حاجت می خواهند. (تصویر ۳) از جمله درختان مورد تقدیس و با اهمیت نزد ترکمنان این مناطق درخت توت است. این درخت از قدیم مورد توجه ترکمنان است چرا که منبع تغذیه کرم ابریشم بوده و در برخی مناطق ترکمنها آلاچیقهای خود را از چوب این درخت تهیه می کرده اند. (تصویر ۴) در میان نقوش فرش ترکمنی نیز به نمادی بر

می خوریم که نماد درخت توت است. (بداغی، ۱۳۷۱، ۵۴) در ترکیه نیز، به ویژه در قسمت شرقی این کشور، عقاید و افکار مشابهی در مورد درخت وجود دارد. زنان بدون فرزند ترک و دختران دم بخت به زیارت تک درختی می روند که در محلی نزدیک روستایشان و یا نزدیک مزار فردی مقدس، روئیده است. آنها مدلهای کوچکی از گهواره و عروسک را به شاخه های درخت می بندند. (Serkina, 1999, p4)

همچنین در سرزمینهای ترک زبان اعتقاد به زندگی بخش بودن و باروری درختان نیز وجود دارد. در ارزروم و مناطق دیگر ترکیه یک شاخه سیب در اتاق زنی که می خواهد فرزندی به دنیا آورد، گذاشته می شود. در ترکیه مردم عقیده دارند، هنگامی که درخت پیری می میرد، بدین معنی است که در جایی پیرمردی مرده است، و وقتی درخت جوانی می افتد، دلالت بر مرگ یک جوان است. (Serkina, 1999, p4) هنوز در میان قزاقها و ترکمنهای «مانقشلاق» اعتقاد بر این است که در بهشت درختی وجود دارد که هر برگ آن درخت متعلق به کسی در زمین است و وقتی کسی می میرد، برگ او می افتد. ترکان سیبری معتقد بودند کودکان کوچک بدون



تصویر ۴. درختان توت در نزدیکی روستای قرناوه



تصویر ۳. درختچه ای در نزدیکی آرامگاه خالد نبی

دندان کاملاً به طبیعت تعلق دارند و در صورت مرگ ، اجساد بیجان ایشان را در پوست درخت «غان» قنذاق می کردند و به درختی می آویختند. (Serkina, 1999, p4) به گفته پژوهشگران در آیین شمنی ، غان را در نقش درخت حیات با هفت شاخه به صورت دیرک هفت شکافه نیز تصویر کرده اند که مظهر هفت سیاره و مراحل صعود به آسمانهاست. (کوپر، ۱۳۷۹، ۱۲۷) طبق اعتقادات شمنی یک نوزاد شش ماهه هنوز درختی را که روحش به شکل پرنده بدان باز می گردد به یاد می آورد. (Serkina, 1999, p5) این نکته جالب توجه است که ترک زبانان افسانه‌ای در مورد زایش بشر یا جد شمن از یک درخت دارند. «در این افسانه نام جد ایشان "اودون" است که در زبان ترکی مدرن این کلمه به معنی هیزم می باشد.» (Serkina, 1999, p7) این افسانه قابل قیاس با داستان مشی و مشیانه در تمدن ایران باستان است.

■ شکل‌های درخت زندگی

از دوران کهن نماد درخت با شکل‌های خاص در آیینها و



تصویر ۵



تصویر ۶



تصویر ۷



مفرشهای ترکمنی است. این نقشها همان طور که در تعداد این طرحها بسته به طوایفی که مفرشها در آن بافته شده اند، متفاوت هستند. در طایفه «تکه» این نقشها دو طرح «آشیق» دارند و در طوایف دیگری یک یا حتی سه و چهار هم دیده می شود. تشابهاتی که این نقشها با نمونه های باستانی دارند با تصویر ۱۲ مشاهده می شوند، دارای تنه ای اصلی به همراه چند شاخه فرعی هستند که در وسط به طرح گلمانندی می رسند. این طرح گل مانند در اصطلاح ترکمنی «آشیق» (به معنی قاپ) نامیده می شوند.

توجه به نمونه های ارایه شده، چنین است:

الف) تنه اصلی موجود در نقشها؛

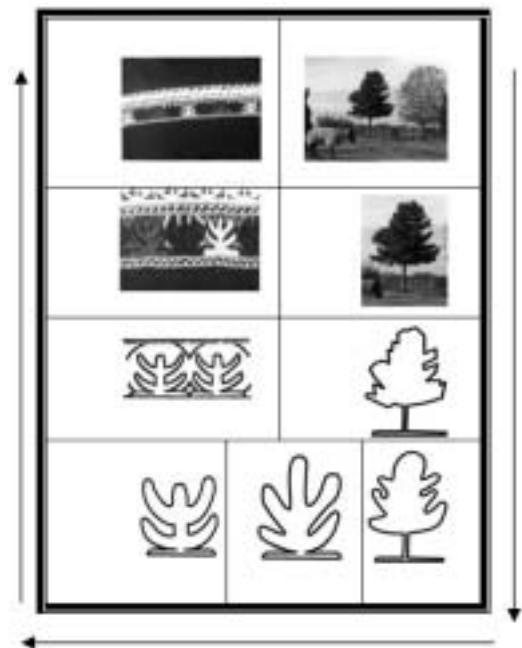
ب) شاخه های فرعی که تعدادشان متفاوت است؛

ج) طرحهای گل ماندی که در انتهای نقوش باستانی دیده می شوند و در نقوش ترکمنی در وسط و گاه مانند تصویر ۱۵ در انتهای نقش هستند.

در نقوش سوزندوزی ترکمنی نقش درخت را می توان کاملاً به صورت طبیعی تشخیص داد. در نقش سوزندوزی ترکمن که به «باغ نقش» (نقش درخت) معروف است به علت نوع بافت که آزادانه تر از مفرشها و فرشهای ترکمنی است، در اصل نقش کمتر تصرف شده و با توجه به جدول ۱ مدلی ارایه شده که انتزاع این نقش از طبیعت را نشان می دهد.

از نمونه های بسیار مهمی که نقش درخت و گیاه را در

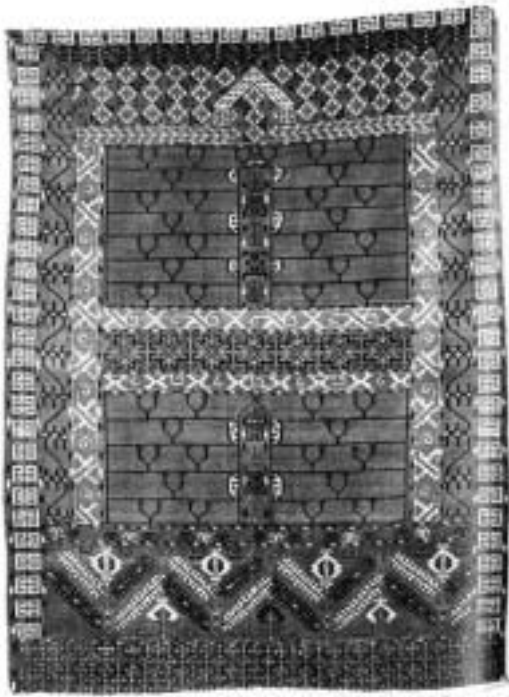
جدول ۱- مدلی برای تحول نقش درخت در سوزندوزی از طبیعت به سوی تجرید (نگارنده)



آنها می توان به عنوان نمونه بارزی از نماد مورد تقدیس نزد ترکمنان ذکر کرد، فرشهای «انسی» هستند که علاوه بر استفاده به عنوان پرده در ورودی آلچیق بزرگان ترکمن به عنوان جانماز نیز مورد استفاده قرار می گرفت. همان گونه که در تصویر (۸) مشاهده می شود، در قسمت محرابی شکل موجود در این انسی، نقشی مانند نقش درخت و مشابه موارد قبل دیده می شود. این نقش مشابه نقش درخت و محراب موجود در قالیچه های محرابی ایرانی است. بر اساس باور رایج شمنیستی، زمین و بهشت با درختی که از مرکز زمین رشد کرده به هم مرتبط اند. این مسیر باید توسط روح شمن طی شود. در راه این سفر به بهشت، روح شمن از سطوح گوناگونی باید عبور کند که با شاخه های یک درخت نشان داده می شوند. اصطلاح درخت زندگی در مرکز بهشت اسلامی را می توان با این مفهوم مرتبط دانست.

در زبان ترکمنی به نقش یاد شده «محراب گل» گفته می شود و طبق این اعتقاد شمنی در واقع درختی است که بهشت و زمین را به هم وصل می کند. نقش درختان در محرابها را می توان در جانمازهای ترکمنی که بدانها «نمازلیق» می گویند، نیز مشاهده نمود. پیداست که این نقوش پس از اسلام آوردن ترکمنان بر اساس اعتقاداتشان در این نوع بافته ها ظهور کرده اند. (تصاویر ۱۱، ۱۲، ۱۳) نقش تصویر (۱۲) در میان بافندگان ترکمن به «آق ناقش» یا «نمازلیق ناقش» معروف است. برخی پژوهشگران این نقش را نیز تلفیقی از درخت و پرنده می دانند. (Jourdan, 1989, p36) در قسمت تحتانی و دور این انسی نقوش درختی دیگری را می توان مشاهده

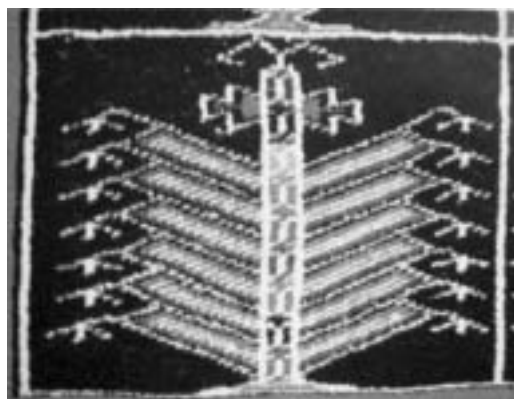




تصویر ۹ - یک نمونه انسی مربوط به اوایل قرن بیستم
موجود در موزه لندن با نقش درخت و دو جانور نگهبان

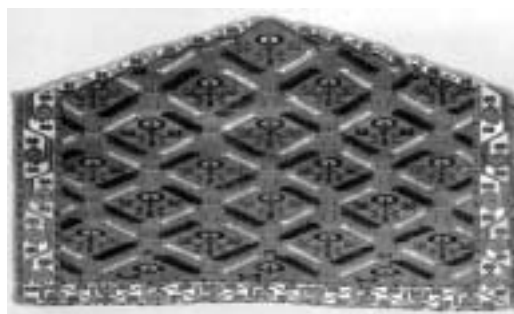
تصویر ۸ - یک نمونه انسی مربوط به اوایل قرن بیستم میلادی
و نقش گل محراب بر روی آن

نمود که مشابه درختان ذکر شده در آسمالیق ترکمنی هستند. با این تفاوت که به گل انتهایی این نمونه ها «انسی آشیقی» گفته می شود. در نمونه‌ای از این بافته ها در تصویر (۱۰) نقش درخت زندگی با دو جانور نگاهبان آن مشاهده می شود.

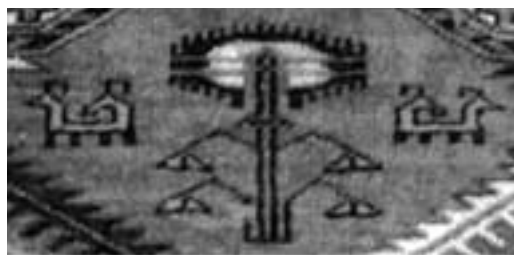


تصویر ۱۰- نقش درخت توت

نقش دیگری که در اینجا مورد بحث قرار می گیرد، نقشی است موسوم به نقش درخت توت. (تصویر ۱۳) همان‌طور که ذکر شد، درخت توت از جمله درختانی است که ترکمنان آن را تقدیس و احترام می‌کنند و دلیل آن شاید شغل نوغانداری برخی از طوایف ترکمن و استفاده از ابریشم در میان ترکمنان جهت تهیه فرشها و دستبافته های نفیس باشد.

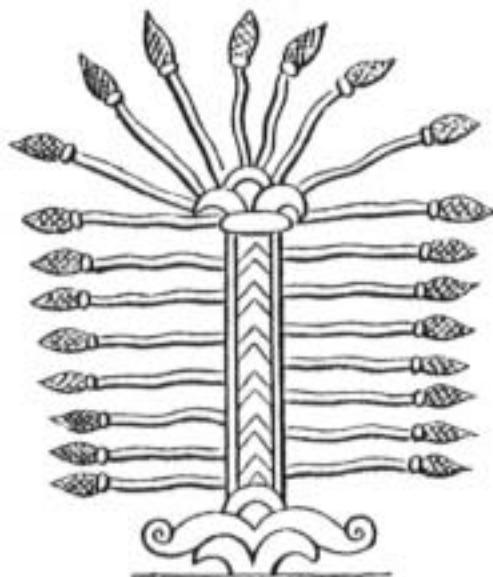
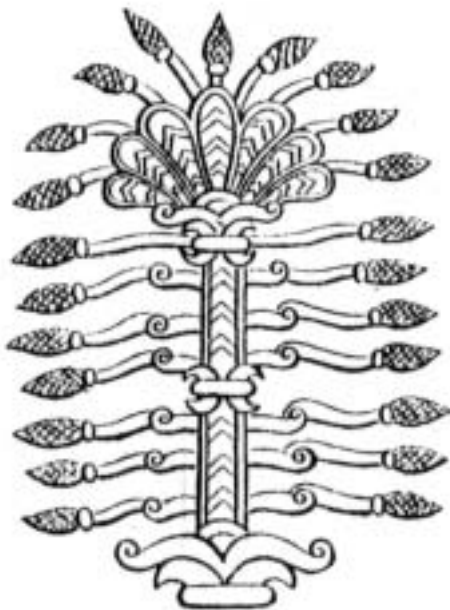


این نقش نیز همانند موارد دیگر تنه‌ای دارد که در انتها به نقشی گل مانند منتهی می شود. تفاوت این نقش با سایر نقوش یاد شده در شاخه های آن است که همانند شاخه‌های درخت توت موازی و به هم چسبیده اند. این نقش دارای دوازده شاخه است. زنان ترکمن برای تقدس بخشیدن به این نقش، نقش شاخ قوچ را بالای درخت بافته اند.



تصویر ۱۱- آسمالیق با نقش درخت زندگی و دو جانور نگاهبان

در نقوش مختلفی که از درخت زندگی موجود است همان‌طور که دیدیم. دو جانور مثل دیو، مار و ... نگاهبانی می‌کنند. در فرشها و دستبافته های ترکمنی به ندرت این نگاهبانان نقش شده‌اند اما نمونه‌ای در نشریه Oriental Rug Review در سال ۱۹۸۸ توسط George W.O Bannon معرفی شده که از نقوش نادر درخت زندگی نزد ترکمنان است و می‌تواند شاهدی بر این مدعا باشد که این طرحها را بتوان طرح درخت



تصویر ۱۲ - مقایسه طرح‌های باستانی موجود درخت زندگی با نقوش ترکمنی



فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهار و پنجم
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

زندگی نامید. (تصویر ۱۴) این نمونه از دستبافته‌های اقوام تکه است که به عنوان آویز داخل آلاچیق‌ها از آن استفاده می‌شده و در ترکمنی «آسمالیق» نامیده می‌شود. دو جانور که به نظر می‌رسد «بز» باشند در دو طرف درخت دیده می‌شوند. (Bannon w.o, 1988, p36)

در این نمونه نیز نقش درخت کاملاً مشابه نمونه‌های سابق است، به همراه تنه‌ای که به گلی منتهی می‌شود و شاخه‌هایی که به برگهای برگشته ختم می‌شوند. جانوران به نظر می‌رسد پشت به هم ایستاده‌اند.

■ نتیجه گیری

با توجه به موارد اشاره شده، شباهتهای موجود میان نمونه‌های باستانی نقش درخت و درخت زندگی و با توجه به کوچ نشین بودن اغلب طوایف ترکمن و امکان دسترسی این طوایف به منابع غنی نقش و نگارهای تمدنهای همجوار خود در تاخت و تازهای توان این نظر را که نقوش موجود در فرشها و دستبافته‌های ترکمنی نقش «درخت زندگی» هستند، عرضه و به شباهت این

نقشها با نقوش درخت زندگی اشاره نمود. اما پر واضح است که استفاده از این نقش در میان ترکمنها گرچه به نسبت استفاده از نقوش جانوری کمتر بوده، تنها برای زینت به دستبافته‌ها نبوده و همانند نقشهای دیگر در فرهنگ ایشان به عنوان نماد و سمبل مورد استفاده قرار گرفته است. در میان مردم ترکمن نیز اگر در نزدیکی زیارتگاه اولیا یا بزرگی درختی وجود داشته باشد، مبدل به درخت حاجات می‌شود، نمادی که در اغلب نقاط ایران هنوز وجود دارد. توجه به طبیعت و عناصر طبیعت نیز از دیرباز با توجه به شمنیست بودن ترکان قبل از اسلام، در میان ترکمنها ریشه دوانده و این نیز خود می‌تواند دلیلی بر استفاده نمادین از این عناصر در دستبافته‌ها و صناعات ترکمنی باشد.

پس از اسلام بسیاری از نمادهای موجود در میان ترکمنان با تغییراتی اندک وارد اعتقادات اسلامی ایشان شد. درخت نیز یکی از این نمادها بود که بر روی فرشهای جانماز و انسی‌های ترکمنی حالت تقدس خود را حفظ نمود.

ویژگیها	طرحهای باستانی	طرحهای ترکمنی	طرحهای اسلامی
تنه اصلی	دارد	دارد	دارد
شاخه‌های فرعی	دارد	دارد	دارد
گل انتهایی	دارد	دارد	دارد
موجودات نگهبان	دارد	دارد	دارد
کارکرد آیین و دینی	دارد	دارد	دارد
نماد باروری و زمین	دارد	دارد	دارد
نماد کیهانی	دارد	دارد	دارد



■ منابع و مأخذ

۱. بداغی، ذبیح الله، نیازجان و فرش ترکمن، نشر فرهنگان، تهران ۱۳۷۱.
۲. حصوری، علی، **قالی های ترکمنی** نشر فرهنگان، تهران ۱۳۷۱.
۳. شوالیه، ژان، آلن گریبان، **فرهنگ نمادها**، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، انتشارات جیحون، تهران ۱۳۷۹.
۴. فربود، فریناز، محمود طاووسی «بررسی تطبیقی مفهوم نمادین درخت در ایران»، **فصلنامه تحلیلی پژوهشی مدرس هنر**، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، دوره اول شماره دوم، ۱۳۸۱.
۵. کوپر، جی.سی، **فرهنگ مصور نمادهای سنتی**، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران ۱۳۷۹.
۶. کیتسی، جاتین، «اسطوره و نشانه شناسی در ارتباط با فرش های شرقی»، **مجله قالی**، شماره ۹۰، ۱۳۷۸.
۷. گلی، امین، **تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها**، نشر علم، تهران، ۱۳۶۶.
۸. هال، جیمز، **فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب**، ترجمه دکتر رقیه بهزادی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
9. Jourdan, Uwe, **ORIENTALRUGS, Volumes, TURKOMAN Antique collectors` Club Ltd, Scotland, 1989.**
10. lechler , George , **THE TREE OF LIFE IN INDO-EURPEAN AND ISLAMICCULTURES, Ars Islamica, Vol IV, Ann Arbor Press 1968, P369**
11. Pinner, Roberet, **The Turkmen Ensi in Literture and in Life, HALI, 2003, 132, p96**
12. Serkina, Galina, **Traces of Tree Worship in the Decorative Patterns of Turkish Rugs, from 11th International Congress of Turkish Art Utrecht, the Netherlands, 1999, August 23-28.**
13. W.O Bannon, George, **A Rare Turkoman Weaving, Oriental Rug Review, Vol.8/3,1988, February/march .p36**

■ فهرست منابع تصویری

۱. تصاویر ۲، ۳ و ۴ از نگارندگان
۲. تصویر ۱، ۵، ۶ و ۷:

lechler, George, **THE TREE OF LIFE IN INDO-EURPEAN AND ISLAMICCULTURES, Ars Islamica, Vol IV, Ann Arbor Press, 1988**

۳. تصاویر ۸ و ۱۲:

Beresneva, L., **The Decorative and Applied Art of Turkmenia, Aurora Art Publishers, Leningrad, 1976.**)
 تصویر ۱۰:

3. Pinner, Roberet, **The Turkmen Ensi in Literture and in Life, HALI, 2003, 132**

۴. تصویر ۱۳: بداغی، ذبیح الله، نیازجان و فرش ترکمن، نشر فرهنگان، تهران. ۱۳۷۱

۵. تصویر ۱۴:

W.O Bannon, George, **A Rare Turkoman Weaving, Oriental rug Review, Vol.8/3, 1988, February/march.**

۶. تصویر ۹:

Opie, James, **TRISAL RUGS, Lanvence King publishing, London,1992, P313**

۷. تصاویر ۱۱، ۱۲ و ۱۳:

Jourdan, Uwe, **ORIENTAL RUGS Volumes, TURKOMAN, Antique Collectors Club Ltd,Scotland, 1989.**